



تقدیم به روح پرفروش شادروان
استاد دکتر غلامحسین یوسفی



دکتر اسماعیل حاکمی

عبدالرحمن جامی و کتاب بهارستان

قرن نهم هجری که اختصاص به عصر تیموری دارد از جهات مختلف دارای اهمیت می‌باشد. هر چند بر اثر یسورتهای پستیابی و کشورگشاییهای تیمور، برخی از بلاد ویران گشت و دانشمندان و شاعران پرآکنده شدند یا گزیده عزلت گرفتند، با این همه این دوره به وجود هنرمندان و دانشمندان و شاعران، مزین بود. رکود نسبی زبان فارسی در این دوره معلول چند علت بوده است، از جمله: رواج زبان ترکی و ضعیف شدن مراکز زبان فارسی در خراسان و عراق عجم و از میان رفتن استادان زبان فارسی. از میان حوزه‌های ادبی دوره تیموری از همه مهم‌تر حوزه‌ای است که در دستگاه امارت سلطان حسین بایقرا در هرات تشکیل شد. در حقیقت حوزه علمی و ادبی و هنری هرات در عهد سلطان حسین بایقرا منشأ تحول تازه‌ای در محیط فکری و معنوی ایران گردید که از اهمیت آن نباید غافل ماند. زبان شعر دوره تیموری تا حد زیادی نزدیک به زبان عامه شد و در اشعار این دوره گاه به نمونه‌های مصنوع یعنی اشعاری که به تکلفات و صنایع لفظی بیشتر در آنها توجه شده است باز می‌خوریم ولی در مجموع، گویندگان معروف آن عهد به سادگی اشعار خود بیشتر علاقه داشته‌اند. سرودن منظومه‌های عاشقانه و غزل بیش از سایر انواع شعر مورد توجه بوده است. شیرین مغربی، عصمت بخاری، سیدنعمت‌الله ولی، کاتبی نیشابوری، ابن‌حسام، هلالی، جامی و جمعی دیگر از شاعران در این دوره می‌زیستند. جامی در مثنویهای خود تابع روش نظامی بوده و در غزل شیوه غزلهای سعدی و حافظ را تتبع کرده و در قصیده به سبک شاعران قصیده‌گوی عراق توجه داشته است. جامی از آن جهت که خاتمه شعرای بزرگ فارسی‌زبان است دارای اهمیت و مقامی خاص می‌باشد. در اشعار وی افکار صوفیانه و حکمت و اندرز و تخیلات غنایی به وفور دیده می‌شود.

از نظر نثر فارسی باید گفت در عهد

تیموری نثر فارسی وضع نسبتاً مساعدی داشت. در این دوره نثر از مبالغه‌های فنی قرون ششم و هفتم هجری تقریباً آزاد شده بود. از این رو آثار آن عهد به سبک ساده عادی بیشتر نگارش یافته است. توجه به لهجه کهن فارسی در آثار متأخر عهد تیموری که تر ملحوظ بود و اصطلاحات و لغات و ترکیبات عمومی زمان مورد استعمال بیشتری داشت. آثار مصنوع در این دوره زیاد نیست، لیکن در مقدمات کتب و سرفصلها و نظایر این موارد تکلفات بسیار به کار رفته و القاب و عناوین ابداعی و ابتکاری، تقریباً اصل مطلب را از میان برده است. در بعضی کتب سجعهای متکلفانه در ضمن کلام دیده می‌شود و در باره‌ای کتب دیگر آثار سادگی و روانی مشهود است.

یکی از ویژگیهای نثر دوره تیموری تنوع موضوعات است و مسایل علمی و تاریخ و قصص و روایات و تراجم احوال و تفسیر قرآن و موضوعات دیگر در این دوره رایج بوده است. از ویژگیهای دیگر، تألیف کتب به زبان ترکی در اواخر عهد تیموری است.

از نویسندگان معروف این عصر می‌توان از نظام شامی مؤلف ظفرنامه تیموری، حافظ ابرو صاحب زبدة التواریخ، فصیحی خوانی مؤلف مجمل التواریخ، کمال‌الدین حسین خوارزمی صاحب کتاب جواهر الاسرار و زواهر الانوار (شرح مثنوی مولوی)، صابین‌الدین علی ترکه اصفهانی صاحب تألیفات متعدد از جمله ترجمه ملل و نحل شهرستانی، غیاث‌الدین اصفهانی مؤلف کتاب دانشنامه جهان، دولت‌شاه سمرقندی صاحب تذکره الشعراء، میرخواند صاحب کتاب روضة الصفا، خواندمیر مؤلف حبیب‌النیر، ملاحسین کاشفی سبزواری صاحب تألیفات بسیار از جمله فستوت‌نامه سنطانی و روضة‌الشهدا، ملاجلال دوانی صاحب کتاب اخلاق جلالی و مولانا عبدالرحمن جامی صاحب تألیفات متعدد و از جمله بهارستان نام برد.

یکی از رشته‌های ادب در آثار مستنور فارسی، بیان مطالب اخلاقی و اجتماعی و حکایات شیرین و آموزنده است و رمز توفیق نویسندگانی از قبیل بیهقی، نصرالله منشی، سعدی و جامی و دیگر استادان این فن در شیرینی گفتار و ساده نویسی آنان است. مثلاً عبدالرحمن جامی شاعر و نویسنده نامدار قرن نهم هجری در آثار منظوم و منثور خویش، این نکات دقیق و ظریف را مدنظر داشته و کاملاً حق مطلب را در انتخاب لفظ و بیان معنی ادا کرده است. بهارستان جامی که به شیوه گلستان سعدی و در قالب نثر همراه با اشعار فارسی و عربی تألیف گردیده است از نمونه‌های نثر مطبوع و شیرین فارسی به شمار می‌رود.

تاریخ تطور نثر فنی و تأثیر مختصات نثر عربی در نثر فارسی از نیمه دوم قرن پنجم هجری آغاز می‌گردد و از این هنگام است که مقدمات تبدیل سبک نثر از مرسل به فنی فراهم می‌شود.

عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر مؤلف قابوس‌نامه در آیین کتاب و شرایط کتایی می‌نویسد: «نامه خویش را از حدیث و استعارت و امثال و آیه‌های قرآن و خبرهای رسول (ص) آراسته دار و اگر نامه پارسی بود، پارسی که مردمان اندر نیابند منویس که ناخوش بود... و در نامه تازی سجع هنر است و سخت نیکو و خوش آید، لیکن در نامه پارسی سجع ناخوش آید، اگر نگویی بهتر بود.» سبک نثر فنی یعنی سبکی که در تاریخ تسطور نثر فارسی در قرنهای ششم و هفتم دنبال می‌شود شیوه‌ای است که در آن نمونه‌های برجسته نثر فارسی را در موضوعات مختلف همراه با تنوع و زیبایی کلام می‌توانیم ببینیم، از اوایل قرن هشتم این شیوه نثر به تصنع و تکلف پیوست. از ویژگیهای نثر فنی استفاده از عنصر سجع است که برخی از محققان سجع را از خصوصیات زبان عربی می‌دانند و جمعی دیگر آن را در آثار ایران باستان ریشه‌یابی می‌کنند. در توفیقات انوشیروان آمده است که: «هر که

رود چرد و هر که خسید خواب بینه» ترجمه این عبارت در کتب عربی به این صورت آمده است که: «مَنْ سَعَى رَعَى وَمَنْ نَامَ رَأَى الْأَحْلَامَ». آشنایی عرب با ایرانیان و یونانیان و برخوردن آنها به کتبی که سراسر پر از کنایه و استعاره و تعیرات گو ناگون بوده است خاصه کتبی که مأخذ آنها از ادبیات هندی بوده از قبیل کلیله و دمنه، موجب تطور نثر گردید و قدیم‌ترین نثر مصنوع، نثر ابن مقفع است. حقیقت آن است که عرب بعد از خواندن قرآن کریم با سجع آشنا گردید. محققان این گونه شباهتها را در قرآن کریم احتراماً قسواصل قرآنی می‌نامند و از تعبیر کردن به سجع احتراز می‌کنند. کتابهای مقامات عربی از قبیل مقامات حریری و مقامات بدیع الزمان همدانی آراسته به انواع سجع می‌باشند. نثر مسجع در ایران از آغاز پیدا شدن فارسی دری موجود بوده است ولی کتاب یا رساله‌ای که تماماً مسجع باشد پیشتر از قرن ششم تا به حال دیده نشده است. ظاهراً باید نخستین سجع ساز فارسی را خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶-۴۸۱ ه. ق.) شمرد. خواجه در آثار منثور خویش از قبیل: مناجات‌نامه، کنزالسائلکین، قلندرنامه، محبت‌نامه و هفت حصار از انواع سجع استفاده کرده است. سجهایی که خواجه در آثار خویش آورده است در واقع نوعی شعر است زیرا عبارات او بیشتر قرینه‌هایی است مزدوج و مرصع و مسجع که گاهی به تقلید ترانه‌هایی هشت هجایی و قافیه‌دار عهد ساسانی سه لختی است، مانند: «اگر بر هوا روی مگسی باشی اگر در آب روی خسی باشی، دلی به دست آر تا کسی باشی.»

حدود یک قرن بعد از خواجه عبدالله، قاضی حمیدالدین بلخی در پیروی از مقامات بدیع الزمان و حریری از این شیوه پیروی کرده است.

چهار مقاله نظامی عروضی و کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه را از نمونه‌های خوب نثر فنی آراسته به زیور سجع باید محسوب داشت. بعد

از این آثار نوبت به گلستان، اثر شیخ اجل سعدی می‌رسد. جریان تازه مهمی که از قرن هفتم در نثر مصنوع فارسی پدید آمد و بعد از آن کم و بیش تا عهد قائم مقام قراهرانی ادامه یافت نگارش گلستان است به دست شیخ مصطفی‌الدین سعدی شیرازی (متوفی ۶۹۱ یا ۶۹۴ هجری قمری). مقبولیت کتاب گلستان در زبان فارسی مایه آن شد که بعد از قرن هفتم اولاً در شمار کتاب درسی مستبدیان و فارسی‌خوانان در آید و ثانیاً چند بار مورد تقلید صاحب ذوقان قرار گیرد و از این راه کتابهایی از قبیل بهارستان جامی - روضه خلد برین مجد خوافی - پریشان قانی و منشآت قائم مقام به وجود آید.

از مهم‌ترین آثار جامی کتاب «بهارستان» است که وی قسمتی از آن را به پیروی از گلستان سعدی نوشته، ولی مسلم است که قصد او در این کار ساده‌تر کردن شیوه انشای سعدی بود و به همین سبب انشای بهارستان جامی حتی در آن قسمت که رنگ ادبی آن بیشتر است، بیش از آنچه انتظار می‌رود، متمایل به سادگی است و شاید یکی از علل این تمایل اختصاص کتاب به تعلیم فرزند نوآموز مؤلف بود. بهارستان در هشت روضه، مقدمه و خاتمه ترتیب یافته است. روضه نخستین در ذکر حکایاتی است درباره مشایخ صوفیه و بعضی از اسرار احوال آنان. روضه دوم متضمن حکم و مواعظ و مشتمل بر چند حکمت و حکایات مناسب مقام، روضه سوم درباره اسرار حکومت، روضه چهارم درباره بخشش و بخشندگان، روضه پنجم در تقریر حال عشق و عاشقان، روضه ششم حاوی مطالبات و لطایف و ظرایف، روضه هفتم در شعر و بیان احوال شاعران و روضه هشتم در حکایاتی چند از زبان احوال جانوران.

جامی در آغاز کتاب گفته است که چون فرزندش ضیاءالدین یوسف به آموختن فنون ادب اشتغال داشت این کتاب را برای وی فراهم آورد و آن را بر اسلوب گلستان نوشت.

جامی با آنکه روضه هفتم از کتاب خود را که در شرح حال گروهی از شاعران برگزیده فارسی تا عهد اوست، به اختصار تمام پرداخته است لیکن همان اشارات کوتاه که در این روضه آورده حاوی نکات سودمندی است که در تحقیق احوال شاعران می‌تواند محل استفاده باشد. عبارات کتاب بهارستان به غایت ساده و شیرین است و در میان آثار منشور فارسی مقامی شامخ دارد. این کتاب غالباً مشتمل بر مطالب اخلاقی عالی و دستورهای سودمند برای زندگانی است. قطعه‌های تاریخی آن نیز قسمتهای مفیدی دارد که به روشن شدن احوال شعرا و عرفا کمک می‌کند. در مقام مقایسه بهارستان با گلستان سعدی، سخن منظوم بهارستان بیشتر است و سجع و تکلف به وفور در آن راه یافته و در روضه ششم آن پاره‌ای از مطایبات فراهام آمده است که خواننده را از سلیقه تریبیتی مولانا جامی به شگفتی می‌آورد.

در خاتمه، جامی را مقالتی است که در آنجا پس از اعتدال از طول کلام باز به تقلید سعدی اشاره بدین نکته کرده است که اشعار و منظومات وارده در آن کتاب همه از خود اوست و مستعار نیست و این رباعی را نظم فرموده است:

جامی هر جا که نسامه انشا آراست
از گفته کس به عاریت هیچ سخاوست
آن را که ز صنع خود دکان پر کسلاست
دلالی کسلائی کسانش نه سزاوست

در پایان سخن این قطعه را که مستضمن تاریخ تألیف کتاب به سال ۸۹۲ بوده آورده است:

تکابوی خامه در این طرفه نسامه
که جامی بر او کسر طبع آزمایی
به وقتی شد آخر که تاریخ هجرت
شود نهصد از هفت بر وی فزایی

اختصاصات ادبی بهارستان

چنانکه قبلاً اشاره شد کتاب بهارستان به نثر مسجع و در عین حال ساده و روان نوشته شده است. برخی اختصاصات سبکی آن به شرح زیر است:

۱ - استشهدا به آیات قرآن کریم، مانند:
و کلاً نقص علیک من انباء الرسل ما نثبت به فؤادک (سوره هود، آیه ۱۲۱)

وامراته حمالة الحطب (المسد، آیه ۵)
۲ - استفاده از احادیث و مأثورات مذهبی:
قیمة کل امری، ما یحسنه ترجمه الهی عاملنا بفضلک ولا تعاملنا بعدلک.

۳ - استفاده از امثال و حکم، مانند: «پار از برای روز محنت باید و اگر نه روز راحت یار که نیست»، «مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند نه به قوت تن و ضخامت بدن».

باکسی منشین که نبود باتو در گوهریکی
رشته پیوند صحبت اتحاد گسهر است

۴ - صنایع بدیعی:
الف - جناس، مانند: «هر که را خلق با خلق نه نکوست، پوست بر بدن زندان اوست»، «نادان کسی که خود را به اختیار بیمار سازد تا به اضطرار بیمار کند».

ب - تشبیه، مانند: «افریدون که در زمین شفقت جز تخم نصیحت نکشت به فرزندان خود این توفیق نوشت...».

مغرور مشو به مال چون بسی خیران
زیرا که بود مال جو ابر گذران

ج - تضاد (= طباق): «بسیار بود که در دوستی خلل افتد و به دشمنی بدل گردد»

آن سفله که مدح را زدم نشناسد
فتح از کسر و کسر زضم نشناسد

د - مراعات النظیر (تناسب)، مانند:
«گفت: در این بیابان با جمعی از سرهنگان از گرگان و پلنگان آشنایی دارم، احرام زیارت ایشان بسته‌ام...»

۵ - ردالعجز علی الصدر:

مغرور مشو به مال چون بسی خیران
زیرا که بود مال جو ابر گذران
ابر گذران اگر چه گسهر بار
خاطر نسهه مسرد خردمند بران

و - سجع: مولانا جامی در ضمن کلام از انواع سجع استفاده کرده و به شیوه شیخ اجل کلام خود را به زیور سجع آراسته است. استفاده از انواع سجع موجب نشده تا کلام جامی به تکلف نزدیک شود. بلکه سجع به زیبایی نثر وی کمک کرده است. از میان نویسندگانی که به شیوه نثر مسجع سعدی بسیار نزدیک شده و در این راه موفق گردیده‌اند جامی در بهارستان و قائم مقام در منشآت را باید نام برد.

۵ - ویژگیهای دستوری:

الف - استعمال مصدر (ماندن) در معنی متعدی به معنی: باقی گذاشتن:

آنچه اندوخت سفله طبع لثیم
بعد مرگ از برای دشمن ماند

ب - تقدیم صفت بر موصوف:

از سر سر به مهر پشیمان نشد کسی
بس فاش گشته سر، که پشیمانی آورد

ج - حذف فعل به قرینه:

«ترس از زهر دندان مار است نه از زخم پیکان خار»

«مرا دهان خاموش، تو را زبان برخروش»
۶ - استناد به اشعار عربی و فارسی:

ابکی و مایدریک مایکینی
ابکی حذاران تشارقینی

*

جو میزبان بنهد خوان مکرمت آن به
که از ملاحظه میهمان کنار کند

بایدت منصبِ بلند بکوش
تا به فضل و هنر کنی بیوند
نه به منصب بود بلندی مرد
بلکه منصب بسود به مرد بلند

۷ - استعمال لغات و اصطلاحات عرفانی، از قبیل: صوفی، مرید، خرقة، دلق، پیر، خانقاه، مقام، ارادت و غیره مانند:

«صوفی اینجا مهمان است، تقاضای مهمان بر میزبان جفاست.»

ضمناً از مشایخ بزرگ صوفیه نیز در این کتاب به مناسبت، ذکری رفته است، از قبیل ابوالحسین نوری، حسین بن منصور حلاج، شبلی، خسواجه عبدالله انصاری، ابوسعید ابوالخیر، ذوالنون مصری، معروف کرخی و دیگران.

۸ - کاربرد لغات و اصطلاحات فارسی و عربی زیبا، مانند: افسوس پیشه، بسارگی، بزمند، تماشایی، جفاکیش، خشک مغزی، ستیزه‌سنج، سر به مهر، سودایی، گرانجان و غیره.

در اینجا به این نکته باید اشاره کرد که روی هم رفته بهارستان دارای مطالب و حکایات متنوعی است، از قبیل: حکایات تاریخی، ادبی، عاشقانه (غنائی)، مطایبات، قصه‌های جانوران، احوال و اقوال مجانبین عقلا از قبیل: سهلول وجوحی، اسخیا و بخشدگان مانند: حاتم طایی و معن بن زبیده. احوال دانشمندان، از قبیل: اصمعی و جاحظ احوال و اشعار شاعران مانند: رودکی، دقیقی، انوری، عمق، امیر معزی، ادیب صابر، سوزنی سمرقندی، خاقانی، کمال‌الدین اسماعیل، حافظ و دیگران.

جامی در تألیف بهارستان از کتب و آثار نویسندگان قبل از خود استفاده کرده است از قبیل: الفرّج بعد الشّدّة قاضی تنوخی و ترجمه فارسی آن، المُستجدّ من فَعَلات الأَجواد قاضی تنوخی، گلستان سعدی، کتب تاریخی و عربی.

از جمله ویژگیهای بهارستان، اشتمال آن بر تاریخ و فرهنگ ایران باستان است. جامی به مناسبت از جمشید و فریدون و انوشیروان و قباد و بوذرجمهر حکیم و یزدگرد و عیدها و جشنهای باستانی ایران سخن به میان آورده است و از عید نوروز و جشن مهرگان و این گونه آداب و رسوم کهن ایرانی مطالب سودمند و آموزنده‌ای نقل نموده است. همچنین در روضه هفتم کتاب مطالب سودمند و ارزنده‌ای درباره شعر و شاعری و پایگاه شعر در اسلام و شاعران نامدار از قبیل: رودکی سمرقندی، دقیقی طوسی، حکیم ابوالقاسم فردوسی، فرخی سیستانی، ناصرخسرو، ازرقی، امیر معزی، عمق بخارایی، سوزنی سمرقندی، خاقانی شروانی، نظامی گنجوی، ظهیر، کمال اسماعیل، امیر خسرو و امیرحسین دهلوی عماد فقیه، کاتبی نیشابوری، سعدی، حافظ و امیر علیشیرنویی نقل کرده است. مولانا جامی کتاب بهارستان را با حمد خدا و پس از آن نعت پیامبر گرامی اسلام این گونه آغاز نموده است:

جو مرغ امر ذیبالی ز آغاز
نه از نیروی حمد آید به پرواز
به مقصد نارسیده پر بریزد
فتد زانسان که دیگر برنخیزد

هزارستان حمد و ثنا از زبان مرغان بهارستان عشق و وفا که از منابر اغصان فضل و احسان به حسن اصوات طیب الحان علی الدوام خوانند و مسامع حاضران مجامع قدس و ناظران مناظر انس علی مرّ الشهور والاعوام رسانند. قطعه:

صانعی را که گلستان سپهر
بباند از گلین صنّش ورقی
یا بود بهر سناخوانانش
پر نثار از دُر و گوهر طبعی

جلت عظمة جلاله و علت کلمه کماله، و هزاران سرود تحیت و درود از گلوی عندلیبان بوستان

سرای فضل وجود که مطربان بزم شهود و مغنیان عشرتخانه وجد و وجودند. قطعه:

برگل روضه ابلاغ که هست
گل این باغ ز رویش عرقی
نیست ز اوراق چمن مرغان را
به جز اوصاف جمالش سبقی

و علی آله و صحبه المقتبسین من مشکوة علومه و احواله.»

در خاتمه به عنوان تیمن و تبرک بخشی از دیباچه بهارستان که به شیوه گلستان شیخ اجل سعدی نگاشته شده و در ضمن، آن، جامی علت تألیف کتاب را بیان نموده است ذیل نقل می‌کنیم:

«اما بعد نموده می‌آید که چون در این وقت دلپسند فرزند ارجمند ضیاءالدین یوسف به آموختن مقدمات کلام عرب و آندوختن قواعد فنون ادب اشتغال می‌نمود از برای تلطیف سرّ و تشحیذ خاطر وی گاهگاهی از کتاب گلستان که از انفساس مستبرکه شیخ نامدار و استاد بزرگوار مصلح‌الدین سعدی شیرازی است، رحمه الله تعالی، مثنوی:

نه گلستان که روضه‌ای ز بهشت
خاک و خاشاک او عبیر سرشت
ببایهانش بهشت را درها
فیض ده قصه‌های کسوتها
نکته‌هایش نهفته در پرده
رنگ حوران ناز پرورده
دلکش اشعار او بلند اشجار
از نم لطف تحتها الانهار
سطری چند خوانده می‌شد...